عقائد اسلام

تألیف

حکیم الامت و مجدد الملت حضرت مولانا اشرف علی تھانوی رحمۃ اللہ علیہ

تصدیق ترجمہ از جانب

شیخ الحدیث و صدر المدرسین دار العلوم دیوبند

حضرت مولانا سعید احمد پالنپوری رحمۃ اللہ علیہ

ترجمہ

محمد ابراہیم تیموری

عقائد اسلام

چاپ سوم

۱۹محرم الحرام ۱۴۴۸ هجری قمری

۱۴مطابق سرطان ۱۴۰۵ هجری شمسی موافق ۵ جولای ۲۰۲۶ میلادی

متن آمادۀ چاپ کتاب را می‌توانید از نشانی‌های ذیل به دست آورید:

جدیدترین PDF کتاب را می توانید با نشان انترنتی (email) ذیل تماس بگیرید:

miteymori@gmail.com

یا از نشانی زیر از برنامۀ تلگرام اخذ کنید:

https://t.me/RaaheFalaah

و یا با شمارۀ ذیل در تلفون یا واتس اپ ویا تلگرام در تماس شوید:

۰۰۴۴۷۷۷۶۰۰۳۱۳۷

و یا با شمارۀ تلفونی ذیل در کابل تماس بگیرید:

امیر محمد: ۰۷۰۰۲۴۳۵۰۱

مقدمهٔ مترجم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَكَفٰى وَسَلَامٌ عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰى
اَمَّا بَعْدُ

عقاید اسلام مِنحیث اساس دین اسلام است و فلاح انسان مشروط به درستی عقاید می‌باشد. اگر کسی عمر خود را در اعمال نیک بگذراند ولی در همه یا در یکی از عقاید خود بر باطل باشد تمامی اعمالش در قیامت هدر خواهد رفت. از این‌رو علمای کِرام در مورد اصلاحِ عقاید خدماتِ بسیار فراوان و بزرگ انجام داده‌اند.

یکی از این علمای بزرگ مُجدِّد قرن چهاردهم هجری قمری حضرت حکیم الاُمت مولانا اشرف علی تهانوی رحمة‌الله‌علیه است که بیشتر از یک هزار تصنیف و تالیف از خود برجا گذاشته است. حضرت حکیم الاُمت رحمة‌الله‌علیه ده‌ها کتاب دربارۀ تصحیح و اصلاح عقاید تالیف فرموده است.

رسالۀ هذا بخش عقاید کتاب مبارك و معروف زیورهای بهشتی است که حالا بعد از نظر ثانی بر ترجمۀ آن به خاطر استفادۀ عوام

مسلمانان به زبان ساده به شکل جداگانه نشر می‌شود.

اما قبل از چاپ و نشر رسالهٔ عقاید اسلام به خدمت حضرت مولانا مفتی سعید احمد پالَنْپُورِی رحمة الله علیه شیخ الحدیث و صدر المُدرِّسین اسبق دار العلوم دیوبند عرضه گردید و ایشان از اول تا آخر آن را ملاحظه کرده ترجمهٔ آن را تصدیق نموده اجازهٔ نشر آن را دادند. امید که خداوند متعال این خدمت را قبول و مقبول فرماید. آمین.

محمد ابراهیم تیموری

مقدمهٔ چاپ اول

رمضان ۱۴۳۶ هجری قمری

مطابق سرطان ۱۳۹۴ هجری شمسی

موافق جولای ۲۰۱۵ عیسوی

مقدمهٔ چاپ دوم

محرم الحرام ۱۴۴۸ هجری قمری

سرطان ۱۴۰۵ هجری شمسی

موافق جولای ۲۰۲۶ میلادی

عقائد اسلام

تألیف

حکیم الامت و مجدد قرن چهاردهم هجری حضرت مولانا اشرف علی تهانوی رحمة الله علیه

با تصدیق ترجمهٔ فارسی

شیخ الحدیث و صدر المدرسین دار العلوم دیوبند حضرت مولانا مفتی سعید احمد پالنپوری رحمة الله علیه

ترجمه

محمد ابراهیم تیموری

عقائد اسلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

عقائد دربارهٔ الله تعالی

عقیدهٔ اول

جهان و همهٔ مخلوقاتِ در آن وجود نداشتند، خداوند آنها را خلق کرد و به وجود آورد.

عقیدهٔ دوم

خدا یکیست، محتاج کسی نیست، نه کسی را زاده است و نه از کسی زاده شده است و نه همسری دارد و نه کسی برابرِ اوست.

عقیدۀ سوم

او همیشه بوده است و همیشه خواهد بود.

عقیدۀ چهارم

هیچ چیزی مانند او نیست. او بی‌مثل و بی‌مثال است.

عقیدۀ پنجم

او زنده است، بر هر چیز قدرت دارد، هیچ چیزی از علم او بیرون نیست، همه چیز را می‌بیند، همه چیز را می‌شنود. سخن می‌گوید لیکن سخن او مانند سخن ما نیست، هرچه می‌خواهد می‌کند، کسی مانع او نیست.

تنها او سزاوار عبادت است، شریکی ندارد، بر بندگان خود مهربان است، پادشاه است، از هر عیبی پاك است، تنها او بندگان را از آفات و بلاها نجات می‌دهد، صاحب عزت اوست، بلندی و برتری از اوست، پیدا کنندۀ هر چیز است، کسی پیدا کنندۀ او نیست.

بخشندۀ گناهان است. بسیار قدرتمند است. بسیار عطا کننده

است. روزی‌رسان است. هرکس را بخواهد روزی‌اش را کم می سازد و هرکس را بخواهد روزی‌اش را فراوان می‌گرداند.

هرکس را بخواهد پست مرتبه می‌سازد و هرکس را بخواهد بلند رتبه می‌گرداند. هرکس را بخواهد عزت می‌بخشد و هرکس را بخواهد ذلیل می‌گرداند.

صاحب عدل و انصاف است. بسیار صابر و بردبار است. بر خدمت و عبادت ثواب می‌دهد. دعاهای بندگان را قبول می فرماید. بر هر چیز احاطه دارد. بر همگان حکم‌روان است و کسی بر او حکم نمی‌تواند. هیچکارش خالی از حکمت نیست. کارسازِ همگان است. همه را او پیدا کرده است و در قیامت همه را دوباره زنده می‌سازد. همو می‌میراند و همو زنده می‌گرداند.

او را از نشانی‌ها و صفاتش می‌شناسند. حقیقت ذاتش را کس نمی‌تواند بداند.

توبهٔ گناهکاران را می‌پذیرد.[۱] هرکسی مستحق سزاست سزایش می‌دهد. تنها اوست که هدایت می‌بخشد. هرچه در جهان رخ می‌دهد به حکم اوست. بی حکم او ذرّه‌ای نمی جنبد.

نه می‌خوابد و نه پینکی می‌گیرد. نی از حفظ و نگاه‌داری جهان خسته می‌شود. همهٔ اشیاء در قبضهٔ اوست.

---

(۱) معنای توبه اینست که بعد از ارتکاب گناه، گناهکار شرمنده شود و ارادهٔ مصمَّم کند که بعد از این هرگز این گناه را نخواهد کرد.

تمامی صفات خوب و کمال را داراست و هیچ صفت زشت و ناقص در او نیست و نه هیچ عیبی در اوست.

عقیدۀ ششم

صفات او همیشه بوده است و برای همیشه خواهد بود و هرگز زایل نخواهد شد.

عقیدۀ هفتم

او از صفات مخلوقات (و از جسمانیت و اعضای جسمانی مانند دست و پا و چشم و ساق و امثال آنها و از لازمه‌های صفات مخلوقات مانند خوردن و خوابیدن و بالا رفتن و پائین آمدن و امثال آنها) پاك و مُبَرّا است.

و آنچه از این گونه صفات که در بعضی جاهای قرآن و حدیث آمده، خداوند پاک را از معنای ظاهری لُغَوی آنها منزّه دانسته معنای حقیقی آنها را به خدا می‌سپاریم که تنها او حقیقت آنها را می‌داند و ما بدون چون و چرا و غور و فکر در آنها بر آنها ایمان می‌آوریم و یقین می‌نمائیم که هرچه مراد آنها است همان حق است.

و در صورت ضرورت، معنای مناسبی برای آنها بیان خواهیم کرد.[۱]

عقیدۀ هشتم

هر کار خوب و بد که در جهان رو دادنی است، خداوند آنها را قبل از وقوع آنها از همیش و ازل می‌داند و آنها را مطابق علم خود پیدا می‌کند.

---

(۱) مثلًا در قرآن شریف «یَدُ الله» (دست خدا) وارد شده است و «یَد» در زبان عربی معانی مختلف دارد و یکی از آن معانی «یَد» آن عضو جسم است که از شانه تا نوک انگشتان بوده متشکل از گوشت و پوست و استخوان و رگ و پَی و خون و غیره می باشد.

ولی بطور یقینی می‌دانیم که خداوند جسم نیست تا عضو جسمانی مانند اعضای مخلوقات داشته باشد، لیکن از طرف دیگر معنی حقیقی «یَد» نیز معلوم نمی‌باشد، زیرا خداوند در قرآن و پیغمبرش در احادیث معنی حقیقی آن را متعین نکرده‌اند، پس در چنین حالت بهترین روش اعتقاد بر «یَدُ الله» اینست که خداوند را از معنی ظاهری جسمانی آن پاک و مُنزَّه دانسته معنای حقیقی «یَد» را به خدا بسپاریم و از طرف خود دربارۀ آن چیزی نگوئیم.

البته اگر ضرورت پیش آمد باید معنی مناسبی برای آن بیان کرد. مثلاً قوت، زیرا معنی دیگر «یَد» در زبان عربی «قوت» است، ولی بازهم نباید اعتقاد نمائیم که مراد از ید یقیناً قوّت است، زیرا این معنی فقط گمان ما مطابق زبان عربی است. پس در این حال باید چنین اعتقاد داشته باشیم که ممکن است مراد از ید قوت باشد و یا ممکن است چیز دیگری باشد.

و اینکار فقط وظیفۀ علمای بسیار بزرگ می‌باشد و برای سایر مردم جایز نیست که در این موارد از طرف خود معنائی مُقرَّر کنند. مترجم

این را «تقدیر» می‌گویند.

اسرار زیادی در پیدایش اشیای بد وجود دارد که هر کس بر آن آگاه نیست.[1]

---

(۱) تقدیر عبارت است از علم الهی: یعنی حق تعالی از ازل قبل از آفریدن خلائق می‌دانست و مُعَیَّن فرمود که فلان شخص یا فلان شی در فلان زمان به وجود خواهد آمد و تا فلان هنگام زنده یا باقی خواهد بود و فلان و فلان تأثیرات را خوهد داشت. این علم وتعیین اندازه و حد را «تقدیر» می‌گویند، و اموری را که مطابق آن علم و تعیین صادر می‌گردد «قضاء» می نامند.

تقدیر را با مثال ذیل آسان‌تر می‌توان درک کرد:

مهندس جهت تعمیرِ ساختمان، نخست نقشهٔ آن را طرح می‌کند و آنگاه مطابق آن نقشه ساختمان را می‌سازد. طرح کردن نقشه، مثال تقدیر الهی است و ساختن آن ساختمان مطابق همان نقشه مثال قضاء الهی. فرق این است که احتمال اشتباه در طرح مهندس می‌رود و ساختمان را نیز می‌توان خلاف طرح تعمیر کرد، لیکن شایبهٔ اشتباه در علم الهی هرگز امکان ندارد.

ثانیاً باید دانست که تقدیر عبارت از علم الهی است نه فرمان خدائی؛ یعنی اینکه الله متعال در تقدیر به صورت یک فرمان و دستور ننوشته است که فلان کار باید بشود و فلان کار نباید بشود، زیرا در این صورت اختیار انسان سلب می‌گردد، بلکه تقدیر یعنی اینکه الله متعال می‌دانست که فلان شخص فلان کار را به اختیار خود انجام خواهد داد و فلان کار را به اختیار خود انجام نخواهد داد، همین علم الهی را «تقدیر» می‌گویند و واضح است که از علم بر چیزی و دانستن آن، اختیار کسی سلب نمی‌گردد.

به طور مثال:

خداوند می‌دانست (و در لوح محفوظ نوشت) که بلال به اختیار خود ایمان را خواهد خواست و کفر را نخواهد خواست و ایمان آورده مؤمن خواهد بود، و ابوجهل به اختیار خود کفر را خواهد خواست و ایمان را نخواهد خواست و کفر را برگُزیده کافر خواهد بود. این را «تقدیر» می‌گویند.

پس دانسته شد که معنای تقدیر این نیست که خداوند کسی را بر ایمان یا اطاعت مجبور می‌سازد و یا کسی را بر کفر و عصیان مجبور می‌گرداند، العیاذ بالله. مترجم

عقیدۀ نهم

خداوند به بندگان عقل و اراده داده است که توسط آن به اختیار خود کارِ ثواب یا گناه را انجام می دهند، ولی بندگان را به پیدا کردن فِعلی قدرت نداده است.

خداوند از ارتکاب گناه بندگان ناراض و از انجام دادن کارهای نیک شان راضی می‌شود.

عقیدۀ دهم

خداوند بندگان را چنان حکمی نداده که از توان ادای آن عاجز باشند.

عقیدۀ یازدهم

هیچ چیزی بر خداوند واجب نیست، هرچه لطف و احسان کند، فضل اوست.

عقائد دربارهٔ پیغبران

عقیدهٔ دوازدهم

پیغامبران فراوانی از طرف الله متعال به خاطر هدایت بندگان آمده‌اند و تمام آنها از همهٔ گناهان پاک می‌باشند.

تعداد آنها را تنها خدا می‌داند.

خداوند بخاطر نمایان ساختن صداقت ایشان بر دست آنان چنان امور خارق العاده‌ای را صادر نمود که سایر مردم از آن عاجز بودند. مثلاً ماهتاب به اشارهٔ انگشت حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم دو پارچه شد؛ یا عصای حضرت موسی علیه‌السلام اژدها می‌گردید و غیره مُعجِزات سایر پیغمبران عَلَیهِمْ وَعَلیٰ نَبِیِّنَا الصَّلٰوةُ وَالسَّلامْ.

این امور را «مُعْجِزَه» می‌گویند.

اولینِ پیغامبران حضرت آدم علیه‌السلام بود و آخرین ایشان حضرت محمد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم، و سایر آنان در بین ایشان آمده‌اند.

بعضی از ایشان خیلی مشهور می‌باشند.

مثلاً حضرت حضرت نوح علیه‌السلام، حضرت ابراهیم علیه‌السلام، حضرت اسحاق علیه‌السلام، حضرت اسماعیل علیه‌السلام، حضرت یعقوب علیه‌السلام، حضرت یوسف علیه‌السلام، حضرت داود علیه‌السلام، حضرت سلیمان علیه‌السلام، حضرت ایوب علیه‌السلام، حضرت موسی علیه‌السلام، حضرت هارون علیه‌السلام، حضرت زکریا علیه‌السلام، حضرت یحیی علیه‌السلام، حضرت عیسی علیه‌السلام، حضرت الیاس علیه‌السلام، حضرت الیسع علیه‌السلام، حضرت یونس علیه‌السلام، حضرت لوط علیه‌السلام، حضرت ادریس علیه‌السلام، حضرت ذو الکفل علیه‌السلام، حضرت صالح علیه‌السلام، حضرت هود علیه‌السلام، حضرت شعیب علیه‌السلام.

عقیدۀ سیزدهم

تعداد دقیق پیغامبران را خداوند به کسی نگفته است، لذا چنین باید اعتقاد داشته باشیم که هر تعداد پیغمبرانی که از جانب خدا آمده‌اند ما بر همۀ ایشان ایمان داریم، چه بر آنانی که دربارۀ آنها می‌دانیم و چه بر آنانی که از ایشان آگاهی نداریم.

عقیدۀ چهاردهم

بعضی از پیغامبران دارای مرتبۀ بلندتر از سایر انبیاء هستند.

بلندترین مرتبه را پیغمبر ما حضرت محمد مصطفی صلی الله‌علیه وسلم دارند.

بعد از حضرت محمد صلی الله‌علیه‌وسلم هیچ پیغمبر دیگری مبعوث نمی‌شود.[۱]

عقیدهٔ پانزدهم

خداوند پیغامبر ما حضرت محمد مصطفی صلی الله‌علیه‌وسلم را در بیداری و با جسم مبارکش از مکهٔ مُکرَّمه تا بیت المقدس و از آنجا بر هفت آسمان و از آنجا تا هرجائی که می خواست برد و سپس دوباره به مکه برگردانید.

این را «معراج» می گویند.

---

(۱) نه پیغمبر حقیقی و نه پیغمبر بُروزی (ظِلّی)، و آنحضرت صلی الله‌علیه‌وسلم تا روزِ قیامت، پیغامبر انس و جن می باشند. و هر کسی بعد از آنحضرت صلی الله‌علیه‌وسلم ادعای نبوّت کند، او دروغگو و کافر هست.

چنانچه میرزا غلام احمد قادیانی که دعوای نبوت بُروزی را کرده است و پیروان او به همین خاطر کافر می‌باشند. نکاح با قادیانی‌ها نیز به سبب کفر آنها حرام است. قادیانی ها را احمدیه و جماعت لاهوری نیز می گویند.

عقائد دربارهٔ فرشتگان و جن

عقیدهٔ شانزدهم

خداوند نوعی مخلوق را از نور پیدا کرده و آنها را از دیدهٔ ما پوشانیده است. آنها را «ملایکه» یعنی فرشته می گویند.

بسیاری امور به آنها سپرده شده است و آنها هرگز هیچگاهی هیچ کاری را خلاف حکم خداوند نمی‌کنند و در هر کاری که وظیفه داده شده‌اند مشغول می باشند.

چهار تن از میان ایشان بسیار مشهور اند:

حضرت جبرائیل علیه‌السلام،

حضرت میکائیل علیه‌السلام،

حضرت اسرافیل علیه‌السلام،

حضرت عزرائیل علیه‌السلام. (او را ملکُ‌الموت هم می گویند).

خداوند نوع دیگری از مخلوقات را از آتش خلق کرده است و ما آنها را نیز دیده نمی‌توانیم. آنها را «جن» می‌گویند. در بین آنها خوب و بد وجود دارد و صاحب اولاد نیز می‌شوند.

مشهورترین و شریرترین آنها «ابلیس» یعنی شیطان است.

عقائد دربارهٔ اولیاء الله

عقیدهٔ هفدهم

هنگامی که یک مسلمان بسیار عبادت می‌کند و از گناهان اجتناب می‌نماید و با دنیا محبت نمی‌ورزد و از رسول الله صلی الله‌علیه‌وسلم بسیار پیروی می‌کند، او دوست و محبوب خدا می گردد.

چنین مسلمان را «ولی» می گویند.

بعضی اوقات از چنین شخص، اموری رو می‌دهد که دیگران توان آن را ندارند.

این امور را «کرامت» می گویند.

عقیدهٔ هژدهم

به هر اندازه‌ای که «ولی» به درجات بلند برسد، بازهم هرگز برابر «نبی» یعنی پیغمبر نمی‌تواند شود.

عقیدۀ نوزدهم

انسان به هر اندازه‌ای که دوست خدا گردد، بازهم تا وقتی که هوش و حواسش باقی است پابندی بر شریعت بر او فرض است، و نماز و روزه یا عبادت دیگری از او معاف نمی‌شود، و آنچه که گناه است برایش جایز نمی‌گردد.

عقیدۀ بیستم

هر کسی خلاف شریعت عمل کند هرگز ولیِّ خدا بوده نمی تواند. و اگر کار خارق العاده‌ای از دست او مشاهده شد، اینکار یا جادو است یا عمل نَفْسانی و شیطانی.(۱) نباید به او اعتقاد کرد. و اینکار خارق العاده‌اش را «استدراج» می گویند.

عقیدۀ بیست ویکم

بعضی اوقات بر اولیاءُ الله در حالت بیداری یا خواب، بعضی اسرار منکشف می‌شود. اینها را «کشف و الهام» می گویند.

---

(۱) مراد از نفسانی این است که با تصرف نَفْس اینکار را کنند و مراد از شیطانی این است که جن و غیره‌ای را تابع نموده اینکار را توسط او انجام دهند.

اگر این کشف و الهام موافق شریعت باشد قبول است، و اگر مخالف شریعت بود، رد می‌باشد.

عقیدهٔ بیست و دوم

خدا و رسولش، تمامی امور دین را در قرآن و حدیث (یعنی شریعت) به بندگان رسانیده‌اند و اکنون اختراع کردن چیز جدیدی در دین جایز نیست.

چنین اختراع جدید را بدعت می‌گویند و بدعت گناه بسیار بزرگ است.

عقائد دربارۀ کتاب‌های آسمانی

عقیدۀ بیست و سوم

خداوند کتاب‌های کوچک و بزرگ بسیاری را توسط حضرت جبرئیل علیه‌السلام از آسمان بر پیغمبران نازل کرده تا ایشان احکام دین را به اُمت‌های خویش برسانند.

چهار کتاب از میان آنها خیلی مشهور اند:

«تورات» بر حضرت موسی علیه‌السلام نازل شد.

«زبور» بر حضرت داود علیه‌السلام نازل گردید.

«انجیل» بر حضرت عیسی علیه‌السلام نازل شد.

«قرآن مجید» که بر پیغمبر ما حضرت محمد مصطفی صلی الله‌علیه‌وسلم نازل شد.

قرآن مجید آخرین کتاب آسمانی است و بعد از آن هیچ کتاب آسمانی دیگری نازل نمی‌شود و احکام قرآن تا روز قیامت جاری خواهد بود.

سایرِ کتاب‌های آسمانی یعنی تورات وزبور و انجیل... را مردمان گمراه بسیار تغییر و تبدیل و تحریف کرده‌اند و اصل این کتاب‌ها

حالا موجود نیست، لیکن حفاظت قرآن مجید را الله متعال خود وعده فرموده‌است و هیچ کسی آن را تغییر داده نمی‌تواند.

عقائد دربارۀ اصحاب کرام

عقیدۀ بیست و چهارم

هر مسلمانی که پیغامبر ما حضرت محمد مصطفی صلی الله‌علیه‌وسلم را دیده است، او را «صحابی» می‌گویند.(۱)

صحابۀ کرام مقام و فضایل بزرگی دارند. با همۀ ایشان باید محبت و گمان نیک بداریم. و اگر حکایت جنگ و جدال میان بعضی ایشان به گوش مان رسید، آن را سهو و خطای اجتهادی بپنداریم و ایشان را هرگز نباید به بدی یاد کنیم.

بزرگترین ایشان چهار تن اند.

اول: حضرت ابوبکر صدیق رضی‌الله‌عنه. ایشان بعد از پیغمبر

---

(۱) به شرطی که آن شخص بیننده در حالت اسلام از جهان برود.

و هرکسی که در حالت اسلام یک صحابی را ببیند و مسلمان از جهان رفته باشد او را «تابعی» می‌گویند.

و کسی که به شرط مذکور تابعی را دیده است او را «تبع تابعی» می‌نامند.

احادیث شریف بر فضایل همۀ اینها تاکید فراوان نموده است.

و امام ما امام اعظم ابوحنیفه رضی‌الله‌عنه تابعی است، زیرا هفت تا دوازده صحابی را دیده است، و جز ایشان هیچ یک از سایر امامان چهارگانۀ اهل سنت و جماعت، این مقام بزرگ را دارا نیست، و از همین سبب است که امام ما را «امام اعظم» می‌گویند، زیرا در مرتبه بزرگتر از همۀ امامان مذکور اهل سنت و جماعت می‌باشد. وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی ذٰلِكَ.

ما صلی الله‌علیه‌وسلم جانشین آنحضرت ﷺ شدند و نظم و نسق امور دین را به دست گرفتند و بنابرین خلیفهٔ اول گفته می شوند و بهترین و افضل ترین تمام اُمت اسلام می باشند.

دوم: حضرت عمر رضی الله‌عنه که خلیفهٔ دوم اند.

سوم: حضرت عثمان رضی الله‌عنه که خلیفهٔ سوم اند.

چهارم: حضرت علی رضی الله‌عنه که خلیفهٔ چهارم اند.

عقیدهٔ بیست و پنجم

صحابهٔ کرام آنقدر مراتب و درجات بزرگی دارند که بزرگترینِ اولیاء به مرتبهٔ کمترین صحابی نیز نمی رسد.

عقیدهٔ بیست و ششم

اولاده و زنان پیغمبر ما صلی الله‌علیه‌وسلم همگان سزاوار تعظیم و احترام اند.

در میان اولاد رسول الله صلی الله‌علیه‌وسلم بزرگ ترین مرتبه را حضرت فاطمه رضی الله‌عنها دارد.

و در بین ازواج رسول الله صلی الله‌علیه‌وسلم، حضرت خدیجه رضی الله عنها و حضرت عایشه رضی الله عنها بزرگ ترین مرتبه را دارا هستند.

عقائد دربارهٔ ایمان

عقیدهٔ بیست و هفتم

ایمان آن زمان صحیح است که انسان همهٔ چیزهای را که خدا و رسولش گفته‌اند راست و حق بداند و همه را قبول نماید. شک کردن در یکی از آنچه خدا و رسولش فرموده‌اند یا دروغ دانستن آن یا عیب گرفتن درآن یا مسخره‌کردن آن، ایمان را از بین می‌برد.

عقیدهٔ بیست و هشتم

قبول نکردن معنی آشکارا و واضح قرآن و حدیث، و با چون و چرا کردن درآن، از طرف خود معنی دیگری برای آن ساختن، بی‌دینی است.

عقیدهٔ بیست و نهم

از حلال دانستن گناه، ایمان از بین می‌رود.

عقیدهٔ سی اُم

گناه هر اندازه که سنگین و بزرگ هم باشد تا وقتی که گناهکار آن را بد می‌داند ایمانش به سبب آن از بین نمی‌رود، البته ضعیف می‌شود.

عقیدهٔ سی ویکم

ناترس شدن از خدا یا نا اُمید شدن از رحمت او کفر است.(۱)

عقیدهٔ سی و دوم

از کسی احوال غیب را پرسیدن و یقین کردن بر آن کفر است.

عقیدهٔ سی و سوم

احوال غیب را جز خدا هیچ کسی نمی‌داند.

---

(۱) یعنی اینکه اگر کسی بپندارد که در آخرت حتماً من درجات بلند می‌یابم و از من مواخذه‌ای نمی‌کنند؛ و یا کسی از نا امیدی چنین یقین کند که در آخرت هرگز به هیچ صورتی بخشیده نمی‌شوم، اینها اغلاط کفریه است. مسلمان باید در بین امید و بیم باشد.

البته بعضی امور غیبی بر انبیاء و پیغمبران توسط وحی، و بر اولیاء توسط کشف و الهام، و بر مردم عام توسط علائم و قرائن منکشف می‌شود.[(۱)]

عقیدۀ سی و چهارم

شخصی را نام گرفته کافر خواندن یا لعنت کردن گناه بزرگی است.[(۲)] البته می‌توان چنین گفت که لعنت بر ظالمان، یا لعنت بر دروغگویان.

اما اشخاصی را که خدا و رسولش نام گرفته لعنت کرده‌اند یا از کفر آنها خبر داده‌اند، کافر خواندن و ملعون گفتن آنها گناه نیست.

---

(۱) اما اینها را غیب نمی‌گویند بلکه اینها إنباءُ الغیب (خبر دادن از غیب) است.

(۲) لعنت به معنای دوری از رحمت خداوند است. معنای لعنت مذکور در بالا این است که شخصی این گونه دعا کند که لعنت خدا بر فلانی، یا خدا فلانی را لعنت کند.

عقائد دربارهٔ قبر

عقیدهٔ سی و پنجم

هنگامی که انسان می‌میرد اگر مدفون شود بعد از دفن، و اگر مدفون نشود در هر حالتی که است، دو فرشته که یکی را «مُنکِر» و دومی را «نکِیر» می‌گویند نزد او می‌آیند و از او می‌پرسند که خدای تو کیست؟ دین تو چیست؟ و دربارهٔ حضرت محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وسلم از او سوال می‌کنند که او کیست؟

اگر مُرده با ایمان باشد همه را صحیح جواب می‌دهد و آنگاه هرگونه اسباب آرامش و راحت برایش فراهم می‌گردد و از جانب بهشت نیز دریچه‌ای برایش باز می‌کنند که نسیم خنك و هوای خوشبو از آن می‌آید و این شخص با لذت و راحت آرام می‌خوابد.

و اگر مُرده با ایمان نباشد در مقابل همهٔ سوالات می‌گوید نمی‌دانم، و آنگاه عذاب‌های شدید و دردناک بر او آغاز شده تا قیامت مبتلای آنها خواهد بود.

بعضی کسان را خداوند از این امتحان معاف می‌فرماید.

اما تمام این احوال تنها بر خود مُرده خواهد گذشت و فقط

مُرده آن را می‌بیند و حس می‌کند و ما آنها را نه می‌بینیم و نه احساس می‌نمائیم، درست مانند شخص خوابیده که بسا چیزها را مشاهده می‌کند ولی آدم بیدارِ در پهلویش بر آن آگاه نمی‌گردد.

عقیدۀ سی و ششم

بعد از مُردن، هر صبح و شام به مُرده جایگاهش در بهشت یا دوزخ را نشان می‌دهند. به بهشتی، بهشت را نشان داده بشارتش می‌دهند و به دوزخی، دوزخ را نشان داده بر غم و اندوهش می افزایند.

عقیدۀ سی و هفتم

از دعا کردن برای مرده و صدقه و خیرات کردن برایش، ثواب به مرده می‌رسد و مرده نفع زیادی از آن می‌یابد.(۱)

(۱) به همین صورت از خواندن قرآن شریف و بخشیدن ثوابش به او، مرده نفع زیادی می‌برد.

عقائد دربارۀ علامات قیامت

عقیدۀ سی و هشتم

هرچه نشانه‌ها و علامات قیامت که خدا و رسولش بیان کرده اند حتماً پیش خواهند آمد. امام مهدی رضی الله عنه ظهور خواهد کرد و با عدل و انصاف حکومت خواهد نمود.

دجال کور خروج خواهد کرد[1] و در جهان فساد زیادی برپا خواهد نمود. آنگاه حضرت عیسی علیه السلام جهت قتل او از آسمان فرو خواهد آمد و او را به قتل خواهد رسانید.

سپس یاجوج و ماجوج که قومی قدرتمند اند خروج خواهند کرد و در زمین پراگنده خواهند شد و فساد و تباهی بسیاری برپا خواهند کرد و آنگاه از خشم خدا هلاک خواهند شد.

همچنین یک حیوان عجیب از زمین خارج خواهد شد و با انسانها سخن خواهد گفت.

آفتاب از سمت مغرب طلوع خواهد کرد. قرآن مجید از روی زمین برداشته خواهد شد و سپس در مدت کوتاهی همۀ مسلمانان

---

(۱) دجال از یک چشم کور و از قوم یهود است.

خواهند مرد و جهان تنها پُر از کفار خواهد گشت.

برعلاوهٔ اینها وقایع بسیار دیگری نیز رخ خواهند داد.

عقیدهٔ سی و نهم

هنگامی که تمامی علایم قیامت آشکار شد، قیامت آغاز می گردد و حضرت اسرافیل علیه‌السلام به حکم خدا در صور خواهد دمید.

صور شی بسیار بزرگی مانند شاخ است.

از دمیدن این صور، سراسر زمین و آسمانها پاره پاره می‌شوند، تمام مخلوقات می‌میرند و آنهائی که مرده‌اند ارواح شان بیهوش می‌گردد.

لیکن آنانی که الله متعال بخواهد حفظ شان کند بر حال خود باقی خواهند ماند.

مدتی بر این حال خواهد گذشت.

عقائد دربارهٔ قیامت

عقیدهٔ چهلم

سپس زمانی که خداوند اراده نماید که تمام جهان را باز پیدا کند، دوباره در صور دمیده خواهد شد و به سبب آن تمامی جهان باز به وجود می‌آیند. مردگان دوباره زنده می‌شوند و در میدان حشر همگی جمع خواهند شد و مصایب و تکالیف آنجا را تحمل نیاورده نزد پیغمبران به خاطر شفاعت خواهند رفت. سرانجام پیغمبر ما حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم شفاعت خواهند فرمود.

آنگاه ترازوی اعمال برپا خواهد شد و اعمال خوب و بد وزن خواهند گردید و مردم حساب خواهند داد.

بعضی‌ها بدون حساب به بهشت خواهند رفت.

نامهٔ اعمال نیکان به دست راست ایشان و نامهٔ اعمال بدان به دست چپ آنان داده خواهد شد.

پیغمبر ما صلی‌الله‌علیه‌وسلم اُمت خویش را از «حوض کوثر» آب خواهد نوشانید که از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر است.

آنگاه مردم از پل صراط می‌گذرند.

کسانی که نیکوکار اند از آن گذشته به بهشت می‌رسند و کسانی که بدکار اند از بالای آن به دوزخ می‌افتند.

عقائد دربارۀ جنت و دوزخ

عقیدۀ چهل و یکم

دوزخ خلق شده است و درآن آتش و مار و گژدم و عذاب‌های گوناگون وجود دارد.

از بین دوزخی‌ها کسانی‌که حتی اندک ایمان هم داشته باشند، سرانجام سزای اعمال خود را چشیده به شفاعت پیغمبران و بزرگان دین از دوزخ خارج شده به بهشت خواهند رفت، گرچه گناهکاران بسیار بزرگ نیز باشند. و آنانی‌که کافر و مشرک اند برای همیشه و ابد در دوزخ خواهند بود و هرگز نخواهند مرد.

عقیدۀ چهل و دوم

بهشت/جنت نیز خلق شده است و درآن راحت‌ها و نِعَمات فراوان و گوناگون وجود دارد. بهشتی‌ها هرگز ترسی و غمی نخواهند داشت. آنها در بهشت برای همیشه زندگی خواهند کرد. نه کسی ایشان را از آن بیرون خواهد کرد و نه هرگز خواهند مرد.

عقائد دربارۀ خداوند

عقیدۀ چهل و سوم

خداوند صاحب اختیار است که بر گناه صغیره سزا بدهد یا به لطف و کرم خود گناه کبیره را ببخشاید و برآن سزائی ندهد.

عقیدۀ چهل و چهارم

خداوند گناه کفر و شرک را در آخرت هرگز نمی‌بخشد، و جز آن هر گناهی را از هر کسی که بخواهد، به فضل و رحمت خود عفو می‌فرماید.

عقیدۀ چهل و پنجم

بجز کسانی که خدا و رسولش نام گرفته بهشتی بودن ایشان را خبر داده‌اند، به بهشتی بودن کس دیگری به طور حتمی نمی‌توان حکم کرد.

البته با مشاهدهٔ علامات نیک در کسی گمان نیک داشتن به او و برایش امیدوار بودن به رحمت خدا نیز ضروری می‌باشد.

عقیدهٔ چهل و ششم

بزرگ‌ترین نعمت در بهشت که نصیب بهشتی‌ها خواهد شد دیدار الله متعال است. لذات تمامی نعمت‌ها در مقابل لذت این دیدار هیچ است.

عقیدهٔ چهل و هفتم

در حالت بیداری در این دنیا نه کسی خداوند را با این چشم ها دیده است و نه دیده می‌تواند.

مدار اعتبار خاتمه انسان است

عقیدۀ چهل و هشتم

انسان در طول زندگی به هر اندازه‌ای که خوب یا بد باشد، اما در هر حالتی که خاتمه‌اش واقع شود، مطابق همان خاتمه، جزای نیک یا سزای بد خواهد دید.(۱)

عقیدۀ چهل و نهم

انسان در طول عمر خود هر زمانی که توبه کند یا مسلمان شود خداوند قبول می‌فرماید.

البته هنگامی که مرگ فرا رسد و فرشتگان عذاب به نظر بیایند، آنوقت نه توبه قبول می‌شود و نه ایمان.(۲)

تتمّة

(۱) یعنی اگر با ایمان از دنیا برود، اعمال نیکش اعتبار خواهد داشت و به بهشت خواهد رفت. ولی اگر خدای ناکرده بی‌ایمان از دنیا برود، اعمال نیکش نیز باطل خواهد شد و جایگاهش هم دوزخ خواهد بود.

(۲) مراد از توبه، توبه کردن از گناهان است؛ و مراد از ایمان، از کفر و شرک توبه کردن و اسلام آوردن است.

دربارهٔ مترجم

دربارهٔ مترجم کتاب

اسم:	محمد ابراهیم ولد محمد اعظم ولد محمد شفیع تیموری
تاریخ ولادت:	۱۴ سنبلهٔ ۱۳۴۸ شمسی مطابق ۱۳۸۹ هـ.
محل ولادت:	جوی شیر، کابل، افغانستان
تحصیلات ابتدائی:	مکتب قاری عبد الله، کابل، افغانستان
ادامهٔ تحصیلات:	کالج دولتی کرْنال، کرنال، هَرْیانا، هند (حیات شناسی)
	دانشگاه جامعهٔ ملیهٔ اسلامیه، دهلی نو، هند (زبان عربی)
علوم دینی:	دار العلوم دیوبند، هند
	مدرسهٔ رحیمیه، دهلی، (تادورهٔ مشکاة)
	مدرسهٔ امینیه، دهلی، (دورهٔ حدیث)
	مدرسهٔ امینیه، دهلی، (دورهٔ افتاء)

تراجم و تالیفات مترجم

- عقائد ما
- مختصر عقائد
- عقائد اسلام
- عقائد اهل سنت و جماعت
- الفقهُ الأكبرُ للإمام الأعظم أَبي حنيفة رضي الله عنه (متن)
- الفقهُ الأكبرُ (متن ـ ترجمه ـ شرح)
- شرح فقه اکبر (از مولانا بحر العلوم لکهنوی)
- الوَصِيَّةُ في التَّوْحِيْدِ للإمام الأعظم أَبي حنيفة رضي الله عنه (متن)
- الوَصِيَّةُ في التَّوْحِيْدِ (متن ـ ترجمه ـ شرح)
- (متن کامل) العقيدة الطحاوية (أی عقيدة الإمام الأعظم أَبي حنيفة رضي الله عنه) تهیه شده از روی تقریباً ۳۵ نسخهٔ قلمی و ۱۵ نسخهٔ چاپی
- عقیدهٔ طحاوی (ترجمه و شرح مختصر ـ فارسی)
- ترجمهٔ عقیدهٔ طحاوی به انگلیسی The Creed of Imam Tahawi

❁ عقیدۀ طحاوی (به سه زبان: عربی ـ فارسی ـ انگلیسی)

❁ ثمرة العقائد

❁ اعتقاد نامۀ جامی

❁ ایمان کامل (از علامه فرهاری صاحب نبراس)

❁ المعتمد مِن المعتقد (از امام کاسانی صاحب بدائع و صنائع)

❁ اسلام چیست

❁ چگونه حج کنید

❁ زیورهای بهشتی (حصۀ اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم)

❁ گوهرهای بهشتی

❁ زیورهای بهشتی (کامل در دو جلد)

❁ زیورهای بهشتی (دورۀ کامل یك جلدی)

❁ نماز اهل السنت و الجماعت

❁ ترجمۀ نماز اهل السنت و الجماعت به انگلیسی

Salah of Ahlu-Sunnah wal-Jama'ah

❁ بیائید نماز بخوانیم چنانکه رسول الله ﷺ نماز می خواندند

❁ اصول التجوید

❁ خیر الأُصول فی حدیث الرسول

❁ رسالۀ اصول حدیث (منظوم)

❁ قوائدی در علوم حدیث

❁ بنیادهای دین و ضرورت تقلید

❁ دعوت دین و حفاظت مسلک

❁ فرق بین حدیث و سنت

❁ سَلَفی اصلی و سَلَفی امروزی

❁ مثنوی تحفهٔ روشنفکر (سیکولر)

❁ **چهل حدیث:** چرا در داخل نماز رفع یَدَیْن نمی‌کنیم

❁ **چهل حدیث:** رفع یَدَیْن در داخل نماز منسوخ است

❁ رفعُ الیَدَیْن جز در آغاز نماز در هیچ جای دیگر نمازهای پنجگانه مسنون نه بلکه متروک است

❁ چرا در داخل نماز رفع یَدَیْن نمی‌کنیم (مجموعهٔ ۳۴۰ حدیث)

❁ پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله، صدیق اعظم رضی‌الله‌عنه و فاروق اعظم رضی‌الله‌عنه رفع یَدَین نمی‌کردند

❁ **چهل حدیث:** امیرالمؤمنین حضرت عمر بن الخطاب رضی‌الله‌عنه رفع یَدَین نمی‌کرد

❁ **چهل حدیث:** امیرالمؤمنین حضرت علی مرتضیٰ رضی‌الله‌عنه رفع یَدَین نمی‌کرد

❁ **چهل حدیث:** حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنه و مسئلهٔ رفع یَدَیْن

❁ صحبتی با یک برادر سَلَفی بر مسئلهٔ رفع یَدَین

❁ صحبت یک شیخ سَلَفی با یک عالم حنفی دربارهٔ رفع یَدَین

❁ **مسئلهٔ رفع یَدَیْن:** و یاران امیر المؤمنین حضرت علی مرتضی رضي الله عنه و یاران حضرت عبد الله بن مسعود رضي الله عنه

❁ **چهل حدیث:** دربارهٔ ایمان و اخلاق و اعمال ...

❁ **چهل حدیث:** اربعین جامی رحمه الله (ترجمه و تخریج احادیث)

❁ **چهل حدیث:** شهروندی

❁ مذهب حنفی مبتنی بر احتیاط است

❁ **چهل حدیث:** دلائل نُه مسائل نماز

نماز تراویح: بین اهل سنت و جماعت و اهل بدعت

❁ اجماع صحابه و تابعین و مجتهدین اسلام برآنکه حد اقل نماز تراویح بیست رکعت است

❁ چرا بیست رکعت تراویح؟

❁ ۴۴ دلائل ۲۰ رکعت تراویح

❁ برادران سَلَفی! بیائید تراویح خود را ثابت کنید

❁ **تراویح:** استدلال‌های غلط برادران فرقهٔ سَلَفی

❁ **تراویح:** ده چیلنج خدمت برادران فرقهٔ سَلَفی

❁ تصانیف و تألیفات امام اعظم ابوحنیفه رضي الله عنه

❁ تألیفات الإمام الأعظم أبي حنیفة رضي الله عنه (عربی، ناچاپ)

❁ فضائل و مسائل ماه مُحَرَّم

❁ اثبات دعای قنوت احناف

- امام اعظم ابوحنیفه ﵁ و فقه شریف حنفی
- شیخ آلبانی و علم حدیث
- فتوای دار العلوم دیوبند در مورد داکتر ذاکر نایک
- لمس قرآن بدون وضو جایز نیست
- دست‌ها در آغاز نماز تا کجا بلند شود؟
- محل بستن دست‌ها در نماز
- در نماز بستن دست‌ها در زیر ناف سنت است
- دست‌ها در نماز کجا بسته شود؟
- عدم جواز قرائت قرآن در پشت امام ولو سورۀ فاتحه
- قرائت مقتدی در پشت سر امام ممنوع است
- گفتن آمین با صدای آهسته و خُفیه در نماز سنت است
- آمین در نماز با صدای آهسته گفته می‌شود
- روش مسنون نشستن در وقت تشهُّد
- نماز وتر واجب و سه رکعت با یک سلام است
- نماز وتر سه رکعت با يك سلام است
- جمع دو نماز در یک وقت جایز نیست
- خواندن سورۀ فاتحه در نماز جنازه
- زنان به اجماع اُمت در بسیاری از مسائل نماز با مردان تفاوت دارند

❁ نماز زنان با نماز مردان تفاوت دارد

❁ مسح بر جوراب‌های نازک امروزی جایز نیست

❁ هنگام خطبهٔ امام، خواندن نماز یا سخن‌گفتن با کسی مکروه تحریمی و ممنوع است

❁ د اهل سنت والجماعت لمانځه

❁ د اهل سنت والجماعت عقائد

❁ راځي چې لمونځ وکړو څه رنګه چې رسول الله ﷺ ادا کولو

❁ څلویښت احادیث د نه مسائلو دلایل

❁ ولې شل رکعته تراویح

❁ پیامبر اعظم ﷺ، صدیق اعظم رضي الله عنه او فاروق اعظم رضي الله عنه رفع یَدَیْن نکول

❁ څلویښت احادیث چې حضرت عمر رضي الله عنه رفع یدین نکول

❁ د عبد الله بن عمر رضي الله عنه څلویښت احادیث او د رفع یدینو مسئله

نشانی مترجم کتاب

شمارهٔ تلفون/تلگرام/واتس اپ:

۰۰۴۴۷۷۷۶۰۰۳۱۳۷

Email:
miteymori@gmail.com